

واژه‌نامه کنش خشونت پرهیز^۱

فرهنگ واژگان مهم در مبارزه خشونت پرهیز

پذیرش: ساز-و-کاری برای ایجاد تغییر از طریق کنش خشونت پرهیزانه که در آن مخالفان، با آنکه امکان‌پذیرند، تصمیم به توافق برای مصالحه می‌گیرند و برخی از خواسته‌های مقاومت‌کنندگان خشونت‌پرهیز را برآورده می‌سازند. پذیرش هنگامی صورت می‌گیرد که مخالفان نه تغییر عقیده داده‌اند و نه به روشی بی‌خشونت به این کار مجبور شده‌اند، بلکه خود به این نتیجه رسیده‌اند که توافقی از روی سازش برایشان بهتر است. پذیرش ممکن است ناشی از فشارهایی باشد که در صورت ادامه، به تبدیل، واداشت بی‌خشونت، یا فروپاشی رژیم یا سیستم مخالف منجر شود.

اقتدار: کیفیتی است که باعث می‌شود قضاوتها، تصمیمها، توصیه‌ها، و دستورهای افراد یا نهادهای خاصی آزادانه و از روی اختیار به عنوان حق پذیرفته شود، به همین دلیل، دیگران با همکاری یا با اطاعت آنها را اجرا کنند. اقتدار منبع اصلی قدرت سیاسی است، اما مترادف آن نیست.

بایگوت: پرهیز از همکاری، چه از نظر اجتماعی، اقتصادی، یا سیاسی.

پیکار: به رشته‌ای از فعالیتها (تاکتیکها) گفته می‌شود که برای دستیابی به هدفهای میان مدت و بلند مدت طراحی شده‌اند. چنانچه همه افراد گروه در برنامه‌ریزی شرکت داده شوند، پیکارها به احتمال زیاد موفق خواهند شد. برای سهیم کردن همه اعضا در فرایند برنامه‌ریزی، در هنگام گفتگو در باره سازماندهی پیکارمان می‌بایست واژگان و اصطلاحات مشترکی را به کار ببریم.

پرهیز مدنی: مترادف با کنش پرهیز از همکاری سیاسی است.

کنش مدنی: مترادف با کنش خشونت پرهیزانه برای تحقق منظورهای سیاسی.

ایستادگی شهروندی: کنشهای خواستمندانه اعتراض بی‌خشونت، مقاومت یا دخالت در جهت منظورهای سیاسی.

مقاومت مدنی: مترادفی برای مقاومت خشونت پرهیزانه با هدفی سیاسی.

اعتصاب مدنی: تعطیلی اقتصادی که بنا به منظورهای سیاسی صورت گیرد. نه تنها کارگران ممکن است اعتصاب کنند، بلکه دانشجویان، متخصصان، کاسبان، کارکنان اداری (از جمله کارکنان دولت)، و نیز اعضای طبقه بالای جامعه نیز امکان دارد که در اعتصاب شرکت کنند.

نافرمانی شهروندی: زیر پا گذاشتن عمدی و بدون خشونت برخی از قانونهای خاص، حکمها، قواعد، دستورها، فرمانهای نظامی یا سیاسی، و مانند آن. این کار در مخالفت با قانونهایی صورت می‌گیرد که به طور ذاتی غیر اخلاقی، ناعادلانه، یا استبدادی شمرده می‌شوند. اما گاهی قانونهایی که به طور عمده جنبه انتظامی دارند یا به لحاظ اخلاقی بی طرفانه هستند نیز به عنوان نمادی از مخالفت با سیاستهای فراگیرتر دولت زیر پا گذاشته می‌شوند.

تبدیل: تغییر در نگرش مخالفانی که کنشهای خشونت‌پرهیزانه علیه آنها صورت گرفته است، به گونه‌ای که آنها به این باور می‌رسند که پذیرش خواسته‌های گروه خشونت‌پرهیزان کار درستی است. تبدیل یکی از چهار ساز-و-کار ایجاد تغییر در کنش خشونت‌پرهیزانه است.

فروپاشی: چهارمین ساز-و-کار تغییر در کنش خشونت‌پرهیزانه است که در آن مخالفان تنها وادار نمی‌شوند، بلکه سیستم یا حکومتشان در اثر عدم همکاری و ایستادگی همگانی در هم می‌شکند و اجزایش از هم پاشیده می‌شود. پرهیز از همکاری منابع قدرت را به حدی محدود می‌کند یا در تنگنا قرار می‌دهد که سیستم یا حکومت مخالف عملن منحل می‌شود.

تعطیلی اقتصادی: تعطیلی فعالیتهای اقتصادی در یک شهر، منطقه، یا کشور در اندازه‌ای که برای فلج نمودن اقتصاد کفایت کند. به طور معمول چنین اقدامی دارای انگیزه سیاسی است. این حالت هنگامی صورت می‌پذیرد که کارگران به اعتصاب عمومی بپردازند و همراه با آنان مدیریت، داد و ستد، نهادهای بازرگانی، و کاسبکاران خرده پا نیز مؤسسه‌های خود را تعطیل و فعالیتهای اقتصادی‌شان را متوقف کنند.

آزادی (سیاسی): وضعیتی سیاسی که آزادی انتخاب و عمل را برای افراد و نیز برای گروهها مجاز می‌شمارد و آنها می‌توانند در تصمیم‌گیریها و اداره جامعه و نظام سیاسی شرکت کنند.

هدف: مقصد نهایی (رسالت) که باید تأمین شود. (مثال: جمع آوری دست کم 1000 امضاء برای یک دادخواست). هدفهای کوتاه مدت آنهایی هستند که در مدت زمان کوتاهی می‌شود انجامشان داد — برای مثال در طول یک ماه — مانند به دست آوردن امضاء برای دادخواست. هدفهای بلند مدت به آنهایی گفته می‌شود که در طول چند سال یا حتی چند دهه به دست می‌آیند. رسیدن به این هدفها اغلب به دستیابی به یک یا چند (گاهی حتی یک رشته) هدفهای کوتاه مدت مرتبط و شاید وابسته‌اند. دستیابی به هدفهای بلند مدت، قاعدتن، پیچیده‌تر است و به زمان بیشتری نیاز دارد. این هدفها از هدفهای کوتاه مدت مهم‌تر شمرده می‌شوند، چرا که ارزش عمومی آنها در مقایسه با هدفهای کوتاه مدت بالاتر است. بنا بر این، چنانچه یکی از هدفهای کوتاه مدت در راه رسیدن به هدف بلند مدت مانع ایجاد کند، توصیه می‌شود که هدف کوتاه مدت قربانی شود (برای آگاهی بیشتر واژه تاکتیک را ببینید).

استراتژی بزرگ: جامع‌ترین نقشه برای چگونگی دستیابی به هدف از طریق در پیش گرفتن یک رشته از کنشهای حساب شده. استراتژی بزرگ همه منابع مناسب و موجود گروه (منابع انسانی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و غیره) را به منظور دستیابی به هدفهای مبارزه هم‌آهنگ و هدایت می‌کند. احتمال دارد که در درون استراتژی بزرگ از چندین استراتژی خردتر برای تأمین برخی هدفهای خاص در مراحل فرعی مبارزه بزرگتر به کار گرفته شوند.

گروه شاکیان: گروهی از مردم عادی که شکایت‌هایشان جزء موضوعهایی است که در دستور کار مبارزه است و مورد حمایت مقاومت کنندگان خشونت‌پرهیز واقع می‌شوند.

منابع انسانی: اصطلاحی که برای تعیین تعداد افراد و گروههایی که از "فرمانروا" اطاعت می‌کنند (یعنی گروه حاکمی که رهبری دولت را به دست دارد)، با او همکاری می‌کنند، یا به او در اجرای خواسته‌هایش کمک می‌کنند. این اصطلاح بخشی از افراد و گروههای مردم عادی، و

همچنین حدود، شکل و میزان استقلال سازمانهای آنها را در بر می‌گیرد. دسترسی به چنین منابعی، که یکی از خاستگاههای قدرت سیاسی را تشکیل می‌دهند، بر میزان قدرت فرمانروا تأثیر می‌گذارد.

منابع مادی: منابع مادی یکی دیگر از منابع قدرت سیاسی است. این اصطلاح در برگزیده‌های دارایی، منابع طبیعی، منابع مالی، سیستم اقتصادی، ابزارهای ارتباطی، و روشهای حمل و نقل می‌شود. میزان نظارت فرمانروا بر این منابع یا نبود نظارت او کمک می‌کند که اندازه یا حدود قدرتش را تعیین کنیم.

سازو-کارهای تغییر: فرایندی را گویند که در مبارزه‌ی خشونت‌پرهیزانه موفق، دستیابی به تغییر را میسر می‌کنند. چهار سازو-کار تغییر عبارتند از تبدیل، پذیرش، واداشت بی‌خشونت، و فروپاشی.

روشها: راههای ویژه‌ای از اقدام در چهار چوب شیوه‌های کنش خشونت‌پرهیزانه. تاکنون در حدود دویست روش معین شناسایی شده‌اند. این روشها در سه طبقه دسته‌بندی شده‌اند: اعتراض و برانگیختن خشونت‌پرهیزانه، پرهیز از همکاری (اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی)، و دخالت بی‌خشونت.

پرهیز از همکاری: دسته بزرگی از روشهای کنش خشونت‌پرهیزانه که اقداماتی مانند ایجاد محدودیت عمدی، قطع یا خودداری از همکاری اجتماعی، اقتصادی، یا سیاسی (یا ترکیبی از این موارد) با فرد، عمل، نهاد، یا رژیم مورد مخالفت را شامل می‌شود. روشهای پرهیز از همکاری در زیر-مجموعه‌های پرهیز از همکاری اجتماعی، اقتصادی (از جمله تحریم اقتصادی و اعتصاب کارگری)، و پرهیز از همکاری سیاسی دسته‌بندی شده‌اند.

خشونت‌پرهیزی (مذهبی یا اخلاقی): انواع باورها و رفتارهایی که در آنها کنشهای خشونت‌آمیز بر مبنای اصول مذهبی و اخلاقی منع شده است. در برخی از نظامهای اعتقادی، نه تنها خشونت جسمانی، بلکه اندیشه‌ها و واژگان خصمانه نیز منع شده است. برخی از نظامهای اعتقادی نیز برخورد و رفتار مثبت با مخالفان را برای پیروانشان مقرر می‌کنند، و حتا مفهوم دشمن را انکار می‌کنند. پیروان چنین اعتقادهایی گاهی با کسانی که مبارزه‌ی خشونت‌پرهیزانه را برای هدفهای عملی خاص در پیش می‌گیرند همراهی می‌کنند، و گاهی نیز از چنین مشارکتی خودداری می‌کنند.

کنش خشونت‌پرهیز (Nonviolent Action: NVA): روشی کلی برای هدایت کردن اعتراض، مقاومت، و دخالت بدون خشونت جسمانی. چنین کنشی را می‌توان از راههای زیر انجام داد: (آ) کنشهای حذفی - که در آن مشارکت کنندگان از اجرای کارهایی که به طور معمول می‌کردند، یا کارهایی که طبق عادت انتظار می‌رود که انجام دهند، یا بر طبق قانون و مقررات موظف به انجامشان هستند، سر باز می‌زنند؛ (ب) کنشهای رسالتمدانه - که در آن مشارکت کنندگان کارهایی را انجام می‌دهند که در حالت معمول انجام نمی‌دهند، به حسب عادت از آنان انتظار انجام چنان کارهایی نمی‌رود، یا بر طبق قانون و مقررات از انجامشان منع شده‌اند؛ یا (پ) ترکیبی از هر دو حالت بالا. این روش در برگزیده‌های گوناگونی است که در سه گروه عمده دسته‌بندی شده‌اند: اعتراض و برانگیختن بی‌خشونت، پرهیز از همکاری، و دخالت بی‌خشونت.

واداشت بی‌خسونت: مکانیسمی از کنش خسونت‌پرهیزانه برای ایجاد تغییر که در آن دستیابی به خواسته‌ها بر خلاف ارادهٔ مخالفان محقق می‌شود، زیرا به واسطهٔ پرهیز از همکاری و ایستادگی همگانی اوضاع از کنترل مؤثر آنها خارج شده است. با این حال، مخالفان همچنان در سمتهای رسمی خود باقی می‌مانند و سیستم هنوز فرو نپاشیده است.

قیام بی‌خسونت: قیام سیاسی مردمی بر علیه رژیم مستقر که ستمگر دانسته می‌شود، از طریق پرهیز از همکاری و ایستادگی همگانی.

دخالت بی‌خسونت: دستهٔ بزرگی از روشهای کنش خسونت‌پرهیزانه که در وضعیت مبارزه و با کمک ابزارهای خسونت‌پرهیزانه به مداخله در فعالیتهای دشمنان و عملیات دستگاههای آنها می‌پردازد. این روشها با هر دو روش اعتراض نمادین و پرهیز از همکاری تمایز دارند. این مداخلهٔ نظم شکنانه در بسیاری اوقات (مانند اعتصاب درون-نشینی) فیزیکی است اما این احتمال نیز وجود دارد که روانی، اجتماعی، اقتصادی، یا سیاسی باشد.

اعتراض و برانگیختن خسونت‌پرهیزانه: دستهٔ بزرگی از روشهای کنش خسونت‌پرهیزانه که کارهای نمادین بیانگر نظرات مخالف یا تلاش برای برانگیختن (کارهایی مانند بیدارمانی، راه‌پیمایی، یا دعوت به اعتصاب) را در بر می‌گیرد. چنین اقدامهایی از بیان شفاهی نظر مخالف فراتر می‌روند اما تا مرحلهٔ پرهیز از همکاری (مانند اعتصاب) یا مداخلهٔ بی‌خسونت (مانند درون-نشینی) هم پیش نمی‌روند.

مبارزهٔ خسونت‌پرهیزانه: به پیش بردن یک کشاکش خاص با به کارگیری قویترین شکل‌های کنش خسونت‌پرهیز، به ویژه علیه دشمنان مصمم و مجهزی که ممکن است در پاسخ به سرکوب بپردازند.

سلاحهای بی‌خسونت: روشهای ویژهٔ کنش خسونت‌پرهیز.

تکیه‌گاهها: نهادها و بخشهایی از جامعه که منابع قدرت لازم مورد نیاز رژیم موجود را تأمین می‌کنند تا رژیم بتواند ظرفیت قدرتش را حفظ کند و آن را گسترش دهد. نمونه‌های چنین نهادهایی عبارتند از پلیس، زندانها، و نیروهای نظامی که پشتیبانی قانونی را تأمین می‌کنند، رهبران اخلاقی و مذهبی فراهم‌کنندهٔ اقتدار (مشروعیت)، گروههای کارگری و بازرگانی و سرمایه‌گذاری که منابع اقتصادی را تأمین می‌کنند، و به همین ترتیب، دیگر منابع شناخته شدهٔ قدرت سیاسی.

ایستادگی سیاسی: کاربرد استراتژی مبارزهٔ خسونت‌پرهیز به منظور فروپاشی دیکتاتوری و جایگزین نمودن آن با یک سیستم دموکراتیک. مقاومت همراه با پرهیز از همکاری و ایستادگی سیاسی قدرت توده‌های ستمدیده را بسیج می‌کند تا خاستگاههای قدرت دیکتاتوری را محدود کنند و آن را از هم بگسلند. چنان منابعی به وسیلهٔ گروهها و نهادهایی فراهم می‌آیند که "تکیه‌گاه" نامیده می‌شوند. اگر روش ایستادگی سیاسی با موفقیت به کار برده شود، می‌تواند کاری کند که ملت هیچ دیکتاتوری را در حال حاضر یا در آینده به حکومت نپذیرد، و بنا بر این ملت خواهد توانست که نظام دموکراتیک را در برابر تهدیدهای احتمالی تازه حفظ نماید.

جوجیتسوی سیاسی: فرایند ویژه‌ای که در طول مبارزهٔ خسونت‌پرهیز به کار گرفته می‌شود تا روابط قدرت را تغییر دهد. در جوجیتسوی سیاسی واکنشهای منفی نسبت به اعمال سرکوب خسونت‌آمیز علیه مقاومت کنندگان خسونت‌پرهیز به نیروی سیاسی علیه خود دشمنان فرمانروا تبدیل

می‌شود، به گونه‌ای که موضع قدرت آنها را تضعیف نموده و موضع مقاومت کنندگان خشونت‌پرهیز را تقویت می‌کند. چنین نتیجه‌ای تنها هنگامی به دست می‌آید که سرکوب خشونت‌آمیز با ایستادگی بی خشونت مستمر پاسخ داده شود، نه با خشونت مقابل یا تسلیم شدن. به این ترتیب، سرکوبگری دشمنان به بدترین شکل ممکن مشاهده خواهد شد. در نتیجه تغییر عقیده از سوی اشخاص ثالث، گروه شاکیان، و حتا در میان پشتیبانان معمولی دشمنان بسیار محتمل خواهد شد. چنان تغییر عقیده‌ای هم شامل دست کشیدن از حمایت مخالفان می‌شود، و هم به افزایش حمایت از مقاومت کنندگان خشونت‌پرهیز منجر خواهد شد. نتیجه شامل محکومیت فراگیر مخالفان، ایجاد اپوزیسیون داخلی در میان مخالفان، و افزایش مقاومت خواهد شد. گاهی چنین تغییرهایی به جا به جایی عمده در روابط قدرت به نفع گروه مبارزه خشونت‌پرهیز منجر می‌شود. جویتسوی سیاسی در همه مورد‌های مبارزه خشونت‌پرهیز واقع نمی‌شود. هر گاه که این حالت در مبارزه خشونت‌پرهیز پیش نیاید، جا به جایی در روابط قدرت تا حدود زیادی به میزان عدم همکاری بستگی خواهد داشت.

قدرت سیاسی: کلیه نفوذها و فشارهایی که برای تعیین و اجرای سیاستهای رسمی جامعه مورد استفاده واقع می‌شوند. نهادهای دولتی، یا گروهها و سازمانهای اپوزیسیون قدرت سیاسی را به کار می‌گیرند. قدرت سیاسی یا به طور مستقیم در کشاکشها اعمال می‌شود، یا به عنوان یک ظرفیت ذخیره برای استفاده احتمالی در آینده حفظ می‌شود.

ممنوعیتها (تحریم): اعمال تنبیه یا ممنوعیت، به شیوه‌های خشونت‌آمیز یا بی خشونت، به این دلیل انجام می‌شود که یا مردم در عمل کردن به شیوه مطلوب و مورد انتظار حاکمان کوتاهی کرده‌اند، یا اینکه به شیوه‌ای ممنوع یا خارج از انتظار عمل کرده‌اند. ممنوعیت‌های بی خشونت در مقایسه با ممنوعیت‌های خشونت‌آمیز کمتر به قصد تنبیه به خاطر نافرمانی اعمال می‌شوند، و احتمال بیشتری است که به قصد دستیابی به هدفی معین انجام شوند. ممنوعیتها یکی از منابع قدرت سیاسی به شمار می‌آیند.

خود-پشتوانی: توان اداره کارهای خود، داوری در باره خود، و تأمین استقلال، خودگردانی، و خودکفایی.

مهارت و دانش: یکی از منابع قدرت سیاسی است. قدرت فرمانروا پشتوانه خود را از مهارتها، دانش و تواناییهایی می‌گیرد که اشخاص و گروههای جامعه (منابع انسانی) می‌توانند فراهم کنند. همچنین این قدرت به رابطه مهارتها، دانش و تواناییهای موجود با نیازهای فرمانروا بستگی دارد.

منابع قدرت: منابع قدرت به معنای خاستگاههای قدرت سیاسی است. این منابع شامل اقتدار، منابع انسانی، مهارتها و دانش، عوامل ناپدیدار قدرت، منابع مادی و ممنوعیتها می‌شود. این منابع از جامعه سرچشمه می‌گیرند. هر یک از این منابع به گونه‌ای ژرف در پیوست و وابسته به پذیرش، همکاری، و پیروی مردم و نهادهای اجتماعی است. هر چه این منابع به میزان بیشتری موجود باشند، فرمانروا قدرتمندتر خواهد بود. با ضعیفتر شدن یا کاهش یافتن چنین منابعی، قدرت فرمانروا نیز به ضعف می‌گراید یا در هم می‌شکند.

مبارزه خشونت‌پرهیزانه استراتژیک: مبارزه خشونت‌پرهیزانه‌ای که بر پایه یک طرح استراتژی مبتنی بر تحلیل موقعیت‌های ستیزآمیز، قوتها و ضعفهای گروههای ستیزگر، ماهیت، گنجایش، و ملزومات شیوه کنش خشونت‌پرهیز، و به ویژه اصول استراتژی آن نوع مبارزه به پیش برده می‌شود. همچنین نگاه کنید به: استراتژی بزرگ، استراتژی، تاکتیکها، و روشها.

استراتژی: طرحی برای پیشبرد یک مرحله یا پیکار عمده، که خود در درون استراتژی بزرگ برای کلیت مبارزه جای می‌گیرد. استراتژی نقشه‌ای اساسی است در باره چگونگی پیشبرد مبارزه در یک پیکار معین، و اینکه چگونه بخشهای مختلف آن کنار هم گذاشته شوند تا به سودمندانه‌ترین شکل در دستیابی به هدفها کمک کنند. استراتژی در محدوده قلمرو استراتژی بزرگ عمل می‌کند. برای تحقق استراتژی مورد نظر در هر پیکار معین از تاکتیکها و روشهای خاص عملیات در مقیاس محدود استفاده می‌شود.

اعتصاب: محدودیت یا معلق کردن عمدی کار، معمولن موقتی، برای فشار آوردن بر کارفرمایان به منظور رسیدن به یک هدف اقتصادی، یا گاهی فشار بر دولت به منظور دستیابی به هدفی سیاسی.

تاکتیک: طرحی برای کنش محدود بر اساس نقشه‌ای در باره اینکه چگونه، در مرحله معینی از کشاکش، می‌توان از ابزارهای عملیاتی موجود در جهت دستیابی به یک خواسته مشخص و محدود استفاده مؤثر به عمل آورد. برای تحقق بخشیدن به استراتژی فراگیرتر در یک مرحله از کل مبارزه، از تاکتیکها استفاده می‌شود. تاکتیک تعیین می‌کند که برای دستیابی به هدف از چه ابزارهایی استفاده کنید. تاکتیک ممکن است اقدامات کوچکی مانند نصب پوستر، پخش اعلامیه، نشان دادن فیلم، یا فرستادن نامه برای روزنامه مدرسه را شامل شود. گاهی تمایز بین هدفها و تاکتیکها گیج کننده است، چرا که نیاز دارید در ابتدا به هدفهای کوچک تری برسید تا بتوانید تاکتیکهای مشخصی را به کار گیرید.

خشونت: خشونت جسمانی علیه انسانهای دیگر که به زخمی شدن یا مرگ بینجامد، یا تهدید به وارد آوردن چنان خشونتهایی، یا هر عملی که بر پایه ضربه یا تهدیدهایی از آن دست باشد. برخی گونه‌های خشونت پرهیزی اخلاقی یا مذهبی تعریف بسیار فراگیرتری از خشونت به دست می‌دهند. تعریف محدودتری که در بالا ارائه شد به معتقدان این باورها اجازه می‌دهد که به همکاری با اشخاص و گروههایی بپردازند که بنا به دلیلهای عمل باورانه آماده به کار بستن مبارزه خشونت پرهیزانه هستند.

۱. از وبسایت کنوسوپدیا (www.canvasopedia.org)